

## مطالعه اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه مشاوران مدارس مقطع متوسطه

زهره ملایی<sup>۱</sup>، فریبا خوشبخت<sup>۲</sup>، محمدحسن کریمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مطالعه اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه مشاوران مدارس مقطع متوسطه می‌باشد. این پژوهش در پارادایم کیفی و با استفاده از مدل غالب-کم غالب انجام گرفت. در این مدل از ترکیب دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، به روش مصاحبه نیمه عمیق صورت گرفت که در آن افراد مورد مطالعه به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها در بخش کم غالب یعنی بخش کمی نیز با استفاده از مقیاس محقق ساخته در نمونه مشاوران مدارس مقطع متوسطه شهر شیراز (با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده) انجام گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از شیوه تحلیل محتوای استقرایی و در بخش کمی از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی مناسب استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که مشاوران جذب دانش آموز، جلب اعتماد او، توجه به شرایط مراجع، برقراری ارتباط کلامی، واقع‌نگری، توجه به نیاز مراجع، خلق و خوی نیکو، سرزنش نکردن، صداقت، انگیزه‌بخشی، عدم قضاوت ارزشی، ارائه پیامدهای مثبت و مطلوب، القای توانایی‌های شخصیتی به فرد، عدم سوء استفاده از مراجع و تعهد، برقراری ارتباط غیرکلامی و داشتن فضای خصوصی را از جمله نکات و مواردی می‌دانند که در رابطه با دانش‌آموزان باید رعایت شود. آنان برقراری مساوات، اولویت بندی مراجعان بر اساس مشکل، ارائه خدمات مدبرانه (تشخیص افراد دارای مشکل در مدارس از طرف مشاور) به دانش‌آموز را در اولویت قرار داده‌اند. همچنین از دید مشاوران مجهول ماندن نقش مشاور در مدارس، بی‌توجهی به مشاوره سازشی و عدم آگاهی از نقش مشاور، موانع اخلاق حرفه‌ای است. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های بخش کمی نیز حاکی از آن بود که بالاترین میانگین بعد غالب اخلاق حرفه‌ای مشاوران، عدم آسیب‌رسانی می‌باشد. همچنین بین سن مشاور و صداقت و برقراری مساوات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر آن بین جنسیت و ابعاد اخلاق حرفه‌ای، فقط در بعد صداقت تفاوت معناداری وجود دارد.

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

۲. استادیار دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) ایمیل: khoshbakht@shirazu.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه شیراز

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، مشاوران مدارس، مقطع متوسطه

### مقدمه

زندگی کردن بر اساس اصول اخلاقی همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را فرا می‌گیرد. تعامل اخلاقی با خویش، اخلاق خانواده، اخلاق شهروندی، اخلاق مشاغل، اخلاق در فعالیت‌های سیاسی و مناسبات بین‌المللی نمونه‌هایی از ابعاد زندگی اخلاقی را نشان می‌دهد. مقصود از اخلاق حرفه‌ای<sup>۱</sup> مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و بر اساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند؛ بدون آن که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات‌های قانونی دچار شوند (امیری، همتی و مبینی ۱۳۸۹: ۱۳۹). قسمت اعظم تعالیم انبیا در طول تاریخ لزوم پایبندی و تعهد به اخلاق در همه زمینه‌ها و از جمله حرفه و شغل بوده است. در آموزه‌های دینی موضوعات فراوانی درباره اخلاق حرفه‌ای به چشم می‌خورد. از جمله می‌توان به توصیه‌های حضرت علی (ع) به مالک اشتر در استفاده از کرامت‌ها اخلاقی در اداره امور اشاره نمود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۴). امروزه نیز بحث اخلاق حرفه‌ای یکی از بحث‌های مهم حوزه اخلاقیات است.

هیچ نهاد یا حرفه‌ای نیست که قادر باشد فارغ از اخلاق که مرزهای سلوک و رفتار بهنجار را معین می‌کند، به حیات مشروع خود ادامه دهد. اخلاق هر جامعه، معیار باید‌ها و نبایدهای آن را تعیین می‌کند و انسان اجتماعی را در مسیر زندگی آینده‌ی خود به سمت کمال، فضیلت و سعادت هدایت می‌کند. اخلاق، هم‌خاستگاه دینی دارد و هم متأثر از عرف، فرهنگ، تاریخ و سایر پدیده‌های اجتماعی است. در واقع، بین این مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی و اخلاق، تعامل دائمی وجود دارد که باعث می‌شود در طول زمان، اصول، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه صیقل بخورد و الگوهای موجه و مقبول رفتار فردی و جمعی را تشکیل بدهد (کیانی، نوایی نژاد و احمدی، ۱۳۸۷).

اخلاق حرفه‌ای مربوط به رفتار، ادب و عمل شخص هنگام انجام کار حرفه‌ای است.

### 1. Professional ethics

این کار می‌تواند مشاوره، پژوهش، تدریس، نویسندگی یا هر کار دیگری باشد. هر مجموعه سازمانی دارای کدهای عملی و رفتاری با ساختار حرفه‌ای متداول برای اعضای خود است که باید آن‌ها را رعایت کنند. به عبارت دیگر اخلاق حرفه‌ای، مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کند (صحرائی، ۱۳۸۶). در مبحث اخلاق حرفه‌ای، سخن از مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی و بایدها و نبایدهایی است که مخاطب اصلی آن در درجه اول به حرفه‌مندان یک رشته و در ارتباط با مسئولیت‌های حرفه‌ای آنان است. علم اخلاق قرن‌ها قبل از میلاد مسیح در مشاغل و حرف گوناگون وجود داشته است. اما تاریخ تدوین اولین اصول اخلاق حرفه‌ای به حدود سیصد سال پیش از میلاد و متعلق به حرفه پزشکی و به سوگندنامه بقراط برمی‌گردد که در آن وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی پزشکان مشخص شده بود (قراملکی، ۱۳۸۲). اخلاق حرفه‌ای یکی از انواع اخلاق کاربردی است بنابراین خاستگاه مفهوم اخلاق حرفه‌ای، از این دیدگاه سرچشمه می‌گیرد که اخلاق فراتر از مجموعه‌ای از مسئولیت‌های فردی و شخصی است (وبر، ۱۳۷۱: ۷۵). زیونتس (۲۰۰۶)، به نقل از امیری و همکاران ۱۳۸۹: (۱۳۹) معتقد است که اصول اساسی برای اخلاق حرفه‌ای عبارتند از ۱- استقلال حرفه‌ای اخلاق علمی، ۲- خودفهمی حرفه‌ای، ۳- عینیت‌گرایی، بی‌طرفی و عدم جانب‌داری و ۴- فراتر رفتن از مفهوم معیشتی.

اخلاق حرفه‌ای دارای اصولی است که در تمام حرفه‌ها مشترک است و از طرف دیگر اصولی وجود دارد که خاص یک حرفه است. کیچنز<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، به نقل از حسینیان، ۱۳۸۵: (۶۱) پنج اصل اخلاقی خودمختاری<sup>۲</sup>، نیکوکاری<sup>۳</sup>، عدالت<sup>۴</sup>، عدم آسیب‌رسانی<sup>۵</sup> و وفاداری<sup>۶</sup> را در بحث اخلاق حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره قائل است. وی پیشنهاد می‌کند در هنگام اتخاذ تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و در هنگام مواجهه بحران باید از این اصول استفاده

- 
1. Kitchener
  2. Autonomy
  3. Beneficence
  4. Justice
  5. Nonmaleficence
  6. Cory & Cory

شود.

بسیاری از رفتارها و اقدام‌های مشاوران و روان‌شناسان، متأثر از ارزش‌های اخلاقی است و ریشه در اخلاق دارد. عدم توجه به اخلاق کار<sup>۱</sup> در بین مشاوران و روان‌شناسان می‌تواند معضلاتی بزرگ برای مدارس به وجود آورد. یکی از مشکلات اساسی، بی‌توجهی مشاوران مدارس به اخلاق کار و ضعف در رعایت اصول اخلاقی در برخورد با مراجعان و ذی‌نفعان بیرونی است که این خود می‌تواند مشکلاتی را برای مدارس ایجاد کند و مشروعیت و اقدامات آن‌ها را زیر سؤال ببرد. اخلاق کار ضعیف، بر نگرش افراد نسبت به شغل، سازمان و مدیران مؤثر بوده و می‌تواند بر عملکرد فردی، گروهی و سازمانی اثر بگذارد (آراسته، جاهد، ۱۳۹۰: ۳۲).

امروزه نقش و عملکرد مشاوره در مدارس بسیار اساسی و مهم است. چون دریافت‌کنندگان اصلی از خدمات مشاوره در مدارس را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند، مشاوران مدارس در وهله‌ی اول باید با قوانین و مقررات و مسائل اخلاقی مطرح در مشاوره آگاهی کافی داشته باشند و به طور خاص بتوانند استانداردهای اخلاقی مطرح در رشته‌ی مشاوره در حیطه‌ی شغلی خود را به کار بگیرند. با توجه به این امر زمانی که مشاوران در مدارس، نقش خود را به عنوان مشاور، خوب ایفا کنند و اصول اخلاقی مطرح در فنون مشاوره را رعایت نمایند، دانش‌آموزان اگر با مشکلات خانوادگی یا تحصیلی مواجه شوند، بیشتر ترغیب می‌شوند تا برای رفع مشکل خود به مشاور مراجعه کنند. همین امر باعث می‌شود که نوجوانان بتوانند این مرحله را بدون مشکل سپری کنند و به بزرگسال سالم تبدیل شوند و نقش بزرگسالی خود را خوب ایفا نمایند.

به عبارت دیگر سلامت جامعه بستگی به سلامت افراد آن دارد. جسم سالم بدون فکر سالم، رفتار صحیح و ارتباط درست، موجب افزایش سلامت جامعه نمی‌گردد. این موضوع خود، نقش مشاوران و بالتبع رعایت اصول اخلاقی توسط آن‌ها را دوچندان می‌کند. زمانی که مشاوره در این مرحله از نوجوانی نتواند نقش خود را درست ایفا کند، ممکن است

## 1. Work ethics

دشواری‌هایی را برای نوجوان به وجود آورد و بهداشت روان فرد از مسیر اصلی خود منحرف و به بیراهه کشیده شود.

به نظر می‌رسد امروزه بسیاری از مشاوران مدارس را کسانی تشکیل می‌دهند که هنوز از نقش مشاور و مشاوره آگاهی ندارند. این افراد کسانی هستند که یا در این حوزه تحصیلات کافی نداشتند و از کفایت لازم برخوردار نمی‌باشند و یا افرادی هستند که کمتر اطلاعات در این زمینه دارند. اگر نگاهی به مراکز دانشگاهی خودمان داشته باشیم متوجه خواهیم شد که با توجه به ظرفیت مدارس، متخصص تحصیل کرده نداریم. علاوه بر این، دانشگاه‌های کشور ما در این حوزه دانش آموخته تربیت نکرده‌اند و بسیاری از مشاوران از سایر رشته‌های دیگر هستند که فقط یک یا دو واحد درسی را در زمینه‌ی مشاوره گذرانده‌اند؛ اما به صورت عملی و تخصصی به این حوزه پرداخته‌اند. به عبارت دیگر در فرایند آموزش مشاوره در کشورمان (ایران) صرفاً دو واحد آن هم اختیاری و تنها برای مقطع کارشناسی ارشد وجود دارد و به صورت همه‌گیر و به عنوان درس اصلی در تمامی رشته‌های مرتبط با مشاوره و برای تمامی مقاطع وجود ندارد (احمدی، اخوی، رئیسی، رحیمی، ۱۳۸۹). مسئله این است که مشاوران چقدر از وظایف و اصول اخلاق حرفه‌ای آگاهی و اطلاع دارند و تا چه حد در کار خود این اصول اخلاق حرفه‌ای را رعایت می‌کنند؟ پرسش‌هایی از این قبیل، مسائلی هستند که نیاز به پژوهش و بررسی دارند.

در زمینه اخلاق حرفه‌ای تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند. پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه به جنبه‌های متعدد بحث اخلاق حرفه‌ای در مشاغل مختلف پرداخته‌اند. برای نمونه محققان زیادی در رابطه با اهمیت رعایت اخلاق حرفه‌ای در مشاغل مختلف مطالعه کرده‌اند. دین محمدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان رعایت اخلاق پرستاری در عملکرد حرفه‌ای پرستاران شاغل در بخش‌های بزرگسالان بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران" نشان می‌دهد بیشترین درصد واحدهای مورد پژوهش در دادن دارو و برقراری ارتباط با بیماران عملکرد نامطلوب داشته‌اند، ولی در ارتباط با همکاران عملکرد نسبتاً مطلوبی داشته‌اند. در پژوهشی دیگر جبلی (۱۳۸۳) "اخلاق حرفه‌ای خبر در اسلام" را مورد بررسی قرار داده

است. از جمله اصول اخلاقی دین مبین اسلام که در حوزه خبر بر آن تأکید می‌کند، مسئولیت اجتماعی روزنامه‌نگار و رعایت مصالح عموم، توجه به حق مردم در دستیابی به اطلاعات سازنده و مفید، شجاعت در نقل حقایق، تأکید بر صداقت و عینیت خبر و احتراز از تحریف اخبار، توجه به منبع اعتبار خبر، خودداری از مکر و خدعه در خبر، حفظ حرمت و حریم فرد و جامعه و در عین حال انتقاد سالم و عمل به وظیفه امانت‌داری جامعه است. اگر چه برخی هنجارها و ارزش‌ها در مرحله تطبیق و اجرا ممکن است با تفسیر و تأویل‌های متعدد روبه‌رو شوند، اما اساس تعالیم اسلامی اصول و اخلاق حرفه‌ای خبر را به گونه‌ای شفاف تبیین ساخته است. کیانی، نوابی‌نژاد، احمدی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مرتبط با میزان رعایت اخلاق حرفه‌ای از سوی روان‌شناسان و مشاوران پرداخته است. نتایج یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان رعایت اخلاق حرفه‌ای بر حسب میزان سن و نوع رشته تحصیلی در بین مشاوران و روان‌شناسان تفاوت معناداری دارد، در حالی که از نظر جنسیت، وضعیت تاهل، سابقه کار تفاوت معناداری دیده نشد.

احمدی، اخوی، رئیسی، رحیمی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی میزان شناخت مشاوران و روان‌شناسان از اصول اخلاق حرفه‌ای پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد میزان شناخت افراد مورد بررسی در زمینه ضوابط اخلاق حرفه‌ای دارای کشیدگی منفی بوده و بیشتر افراد مورد مطالعه از شناخت خوبی نسبت به ضوابط اخلاق حرفه‌ای برخوردار بودند. همچنین نوع جنسیت، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات مشاور و روان‌شناس با میزان شناخت ضوابط اخلاق حرفه‌ای در ابعاد تماس بدنی، مسائل بین فرهنگی و سودمندی جلسات تفاوت معناداری وجود دارد. در مطالعه‌ای دیگر جاسکا و پریچارد<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) پیمایشی ملی درباره‌ی اخلاق حرفه‌ای در میان کارکنان و مدیران تعداد زیادی از صنایع مختلف انجام داد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رفتار حرفه‌ای کارکنان شرکت‌هایی که برنامه‌های اخلاقی را پیاده کرده بودند، نسبت به دسته‌ای که در شرکت آنان برنامه‌های اخلاقی وجود نداشت، بسیار اخلاقی‌تر بودند و ارزیابی کارکنان این شرکت‌ها درباره‌ی

1. Jasca & Prichard

اخلاق همکاران، مدیران و حتی خود آنان مثبت‌تر بود. لئونگ، لئونگ و چان<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در مقاله‌ای به بررسی معلمان مشاور در مدارس هنگ‌کنگ با هدف بررسی نگرش، آگاهی و اهداف رفتاری ۱۱۴ معلم در سه حوزه مربوط به اخلاق که شامل شایستگی، ارتباط با مشتریان و روابط حرفه‌ای است، پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر معلمان مشاور از محدودیت‌های حرفه‌ای خود آگاه بودند و به دنبال راه‌هایی برای بهبود مهارت‌های خود بودند.

استن، سودیتو و سافتا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی اخلاق حرفه‌ای مشاور و پیش-زمینه‌های اخلاقی به صورت مطالعه‌ی موردی پرداخته است. این مطالعه با هدف بررسی فعالیت مشاوران حرفه‌ای در سه سطح که شامل زیرساخت‌های سازمانی موجود درون کار آن‌ها، زیرساخت‌های قانونی و چگونگی کارکرد آن‌ها در نهادهای موجود و در آخر زیرساخت‌های اخلاقی و چگونگی تنظیم آن‌ها در عملکرد موسسات و مشاوران، زمانی که فقط یک کد اخلاقی وجود داشته باشد و هنوز از نظر قانونی و نهادی دارای مشروعیت نباشد و زیرساخت‌های نهادی، قانونی و حرفه‌ای بسیار ضعیف است، صورت گرفته است. در سال ۲۰۱۶ یانگ، تیلور و سافر<sup>۳</sup> مطالعه‌ای بر روی روزنامه‌نگاران و مسئولان روابط عمومی جهت بررسی چگونگی به کارگیری کدهای اخلاقی در حرفه آن‌ها انجام دادند. نتایج نشان داد که در هر دو حرفه، کدهای ارزشی از جمله حرفه‌ای عمل کردن، خیره بودن و رعایت استانداردهای اخلاقی و نیز تشویق کردن افراد به طوریکه اخلاق حرفه‌ای را در عمل نشان دهند وجود دارد. زارفار، اندریاس و زارفار<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) طی مطالعه‌ای که به بررسی تأثیر اخلاقیات، تجارب و شایستگی بر نتایج حسابرسی حسابداران حرفه‌ای پرداختند متوجه شدند اخلاقیات و تجربه و شایستگی تأثیر معناداری بر کیفیت کار حساب‌رسان دارند. هارتلی و کارترایت<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) طی مطالعه‌ای متوجه شدند که ۵۵ درصد

1. Lyung, Leung, & Chan
2. Stan, Suditu & Safta
3. Yang, Taylot & Saffe
4. Zarefar, Andreas & Zarefar
5. Hartley & Cartwright

از مشاوران مدارس شرکت‌کننده در پژوهش، در کار خود با یک تردید اخلاقی روبرو هستند که رایج‌ترین این تردیدها شامل نقش و ارتباط مشاور با مراجع، مسئولیت حرفه‌ای و شایستگی، اعتماد به نفس و محرمانه بودن هست.

با بررسی اجمالی در پژوهش‌های شکل‌گرفته می‌توان اذعان داشت که با توجه به اهمیت موضوع هر اندازه کار در این حوزه صورت گیرد هنوز مطالعات بیشتر ضروری خواهد بود، چراکه نیاز امروز بشر به این مسائل بیش‌تر از هر زمان دیگری دیده می‌شود. از طرفی تا کنون مطالعه‌ای که به بررسی مشاوران مدارس با رویکرد کیفی پرداخته باشد در ایران انجام نشده است، از این رو مطالعه حاضر با هدف فهم اخلاق حرفه‌ای مشاوران از دیدگاه مشاوران مقطع متوسطه، به سؤالات زیر (در دو بخش کیفی و کمی) پاسخ می‌دهد:

**سؤال بخش کیفی: فهم مشاوران مدارس مقطع متوسطه از اخلاق حرفه‌ای مشاوران چیست؟**

**سؤالات بخش کمی: ۱- نگرش مشاوران مدارس مقطع متوسطه نسبت به رعایت اخلاق حرفه‌ای تا چه اندازه است؟**

۱- آیا بین نگرش مشاوران مقطع متوسطه نسبت به رعایت اخلاق حرفه‌ای و ویژگی‌های دموگرافیک (سن، جنسیت، میزان تحصیلات) آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟

### روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع در پژوهش حاضر بر اساس دیدگاه کرسول<sup>۱</sup> و برای دستیابی به فهم عمیق‌تر از مدل غالب -کم‌غالب استفاده شد. در این مدل پژوهشگر از ترکیب هر دو روش کمی و کیفی در پژوهش خود استفاده می‌نماید؛ بدین معنا که چنانچه بخش بزرگتر پژوهش را به پارادایم کیفی اختصاص دهد، بخش کوچکتر آن را به پارادایم دیگری یعنی پارادایم کمی اختصاص می‌دهد. در واقع می‌توان وجه غالب را کیفی و وجه کم غالب را به روش کمی انجام داد (کرسول، ۱۹۹۴: ۱۷۷). در ادامه اطلاعات مربوط به روش‌شناسی در هر دو بخش کیفی و کمی آمده است.

1. Creswell



### بخش کیفی

طرح پژوهش: این پژوهش از نوع غیرحدوثی یا غیرپیدایشی<sup>۱</sup> است. در این نوع از تحقیقات ابتدا داده‌ها گردآوری می‌شوند و سپس به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود (میکات و مورهایس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴: ۶۳).

روش انتخاب افراد مورد مطالعه: در بخش کیفی به منظور فهم عمیق پدیده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، به طوری که از مسئولان آموزش و پرورش شهر شیراز خواسته شد تا بهترین مشاوران مدارس مقطع متوسطه در نواحی چهارگانه آموزش و پرورش را معرفی نمایند و محقق با آن‌ها مصاحبه نمود که تعداد این مشاوران ۱۲ نفر بوده است.

روش داده‌یابی: از آن‌جا که روش انجام پژوهش بستگی به هدف، ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۷). در پژوهش حاضر در بخش کیفی برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از روش مصاحبه نیمه‌عمیق<sup>۳</sup> (میکات و مورهایس، ۱۹۹۴: ۴۶ و ۶۳) با مشاوران مدارس مقطع متوسطه استفاده شد.

روش داده‌کاوی: بر اساس نظر استراس و کوربین<sup>۴</sup> (۱۹۹۰)، به نقل از میکات و مورهایس، (۱۹۹۴: ۱۲۲) و با توجه به موضوع پژوهش، رویکرد مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی این پژوهش، رویکرد توصیفی - تفسیری است. روند تجزیه و تحلیل داده‌ها در این بخش به شیوه تحلیل محتوای استقرایی است که با استفاده از شیوه‌ی مقایسه‌ی مستمر داده‌ها<sup>۵</sup> تا رسیدن به نقطه اشباع شدگی یعنی حصول اطمینان از عدم دست‌یابی به اطلاعات جدیدتر، صورت گرفت.

روش اجرا: ابتدا با هر یک از مشاوران شرکت‌کننده در پژوهش به صورت انفرادی مصاحبه نیمه‌عمیق صورت گرفت که مصاحبه بر روی نوار ضبط شد، هر مصاحبه ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به طول انجامید. سپس هر مصاحبه از حالت شفاهی به فرم نوشتاری تبدیل شد و در

- 
1. Non emergent design
  2. Pamela Maykaut & Richard Morehouse
  3. Half-depth interviews
  4. Strauss & Corbin
  5. Constant Comparative Method

نهایت پس از انجام همه‌ی مصاحبه‌ها، متن هر مصاحبه مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در چند مرحله صورت گرفت و تلاش شد متن مصاحبه‌ها دقیق و بدون حذف کوچک‌ترین جزئیات، مورد بررسی قرار گیرد تا از متن آن‌ها نکات کلیدی استخراج شود.

**اعتبارسنجی پژوهش:** اعتمادسازی<sup>۱</sup> به معنای آن است که پژوهشگر نسبت به روش کار و نتایج حاصل از پژوهش کیفی مورد نظر، اعتماد لازم را فراهم نماید. لینکن و گیوبا (۱۹۸۵)، چهار روش، راه‌های چندگانه‌ی جمع‌آوری داده‌ها<sup>۲</sup>، ساخت مسیر ممیزی<sup>۳</sup> یا ساخت مسیر بررسی منظم، کار با تیم پژوهش<sup>۴</sup> و مطابقت دادن با اعضا یا روش کنترل اعضا<sup>۵</sup> را به‌عنوان راه‌های اعتمادسازی معرفی کرده‌اند (به نقل از میکات و موراس، ۱۹۹۴: ۱۴۷-۱۴۶).

در این پژوهش به منظور اعتمادسازی، از دو روش مسیر ممیزی یا ساخت مسیر بررسی منظم و روش چندگانه‌ی جمع‌آوری داده‌ها، استفاده شد. در روش مسیر ممیزی، مسیری که در پژوهش طی شد، گام به گام ثبت گردید و در اختیار سه تن از اعضای هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز قرار گرفت و پس از تأیید آنان در هر مرحله، مرحله بعدی پژوهش آغاز می‌شد. در روش چندگانه‌ی جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشگر از شیوه‌های مختلف و متعددی به داده‌یابی می‌پردازد که برای اعتماد سازی بیشتر، این پژوهش در دو بخش کیفی و کمی صورت گرفت که در بخش کیفی از مصاحبه نیمه عمیق و در بخش کمی از طریق مقیاس اخلاق حرفه‌ای مشاوران مقطع دبیرستان مورد بررسی قرار گرفت.

### بخش کمی

1. Trustworthiness
2. Multiple methods of data collection
3. Building an audit trail
4. Working with a research team
5. Member checks

نوع تحقیق در بخش کمی همبستگی می‌باشد. جامعه، نمونه و نمونه‌گیری: جامعه پژوهش شامل همه مشاوران شاغل در مدارس مقطع متوسطه شهر شیراز بود. در این پژوهش تعداد ۱۰۰ نفر مشاور به صورت تصادفی ساده از بین مشاوران مدارس متوسطه دخترانه و پسرانه شهر شیراز انتخاب شدند. برای سنجش نگرش مشاوران نسبت به اخلاق حرفه‌ای از مقیاس محقق ساخته استفاده شد. برای ساخت این مقیاس ابتدا بر اساس اصول اخلاق حرفه‌ای در مشاوره که توسط کیچنز (۱۹۸۴)، به نقل از حسینیان، (۱۳۸۵: ۶۱) و بیوچمپ و چیلدرس (۱۹۹۲، به نقل از حسینیان، ۱۳۸۵: ۶۱) و اساس نامه سازمان نظام روان‌شناسی ۱۷ گویه در قالب پنج بعد (احترام به استقلال مراجع، رازداری، عدم آسیب‌رسانی، صداقت و برقراری مساوات) که پاسخ هر گویه بر روی طیف لیکرتی پنج درجه‌ای قرار داشت. سپس گویه‌های مشابه حذف شدند و در نهایت گویه‌های مقیاس اخلاق حرفه‌ای به تعداد ۱۵ عدد رسید. جهت محاسبه روایی مقیاس اخلاق حرفه‌ای مشاوران مدارس از روش روایی سازه‌ای و همبستگی هر گویه با نمره کل هر بعد و تحلیل عامل و جهت برآورد پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای بررسی روایی سازه‌ای مقیاس، از ده نفر از اساتید دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی در مورد تناسب ابعاد با اخلاق حرفه‌ای مشاوران و تناسب هر گویه با بعد مربوطه نظرخواهی به عمل آورد. که تمام گویه‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

به منظور سنجش روایی محتوایی مقیاس اخلاق حرفه‌ای نیز از روش ضریب همبستگی گویه‌های مقیاس با نمره هر بعد استفاده گردید. این ضرایب برای گویه‌های بعد رازداری بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۴، بعد عدم آسیب‌رسانی ۰/۷۵ تا ۰/۴۹، بعد صداقت ۰/۸۱ تا ۰/۷۴ و بعد برقراری مساوات ۰/۸۱ تا ۰/۳۲ به دست آمده که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. برای بررسی بیشتر روایی مقیاس از روش بررسی ساختار عاملی به شیوه تحلیل عامل استفاده شد. در ابتدا مقدار KMO بدست آمده (۰/۶۵) و میزان آزمون کرویت بارتلت (۲۲۹) در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار شد. این مقادیر بیانگر کفایت نمونه برای انجام تحلیل عاملی بوده، سپس بر اساس نمودار اسکری و جدول ارزش ویژه عوامل، چهار عامل به

دست آمد. پس از بررسی بار عاملی گویه‌ها، گویه‌های ۲,۳,۷,۹,۱۳ به دلیل داشتن بار عاملی بالای ۰/۲۵ در بیشتر از یک عامل حذف شدند. در نتیجه گویه‌های ۸,۹,۱۰ در عامل اول یعنی رازداری، گویه‌های ۴,۵,۶، در عامل دوم یعنی عدم آسیب رسانی، گویه‌های ۱۴,۱۵ در عامل سوم یعنی صداقت، و گویه‌های ۱۱ و ۱۲ در عامل چهارم یعنی برقراری مساوات قرار گرفته و گویه‌های مربوط به عامل استقلال مراجع حذف شدند. در جدول زیر بار عاملی گویه‌ها در هر عامل آورده شده است:

جدول ۱. بررسی ساختار عاملی مقیاس اخلاق حرفه‌ای

گویه‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
۸	۰/۷۶			
۹	۰/۷۱			
۱۰	۰/۸			
۴		۰/۷۴		
۵		۰/۷۲		
۶		۰/۸۳		
۱۴		۰/۸۲		
۱۵		۰/۷۰		
۱۱		۰/۸		
۱۲		۰/۷۱		
ارزش ویژه	۲/۸۰	۱/۶۴	۱/۲۹	۱/۱۰
درصد واریانس	۲۱/۷۹	۲۰/۱۵	۱۳/۹۹	۱۲/۶۴
واریانس کل			۶۸/۹۴	

برای بررسی پایایی مقیاس از آلفای کربناخ استفاده شد. ضرایب مربوط به هر بعد در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲. ضریب پایایی مقیاس اخلاق حرفه‌ای به تفکیک ابعاد

آلفای کرونباخ	ابعاد
۰/۶۲	رازداری
۰/۵۰	عدم آسیب‌رسانی
۰/۵۵	صداقت
۰/۵۲	برقراری مساوات

همانطور که جدول بالا نشان می‌دهد ابعاد از پایایی مناسبی برخوردارند.

**روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** برای پاسخ به سؤال اول از تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد و برای پاسخ به سؤال دوم از آزمون تی تست برای گروه‌های مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

#### یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های بخش کیفی و سپس یافته‌های بخش کمی آمده است:

#### یافته‌های بخش کیفی پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، پژوهشگر با ۱۲ نفر از بهترین مشاوران مدارس (بر اساس نظر سازمان آموزش و پرورش)، مصاحبه نیمه عمیق به صورت هدفمند انجام، سپس به تحلیل محتوای مصاحبه‌ها پرداخته است. تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در چند مرحله صورت گرفت. ابتدا مصاحبه شفاهی به صورت متن کتبی درآمد، و سپس متن مصاحبه‌ها کامل و بدون حذف کوچکترین جزئیات مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از تحلیل محتوای استقرایی، ابتدا مؤلفه‌های موجود در هر مصاحبه، مشخص و سپس مقایسه مستمر داده‌ها، (بر اساس نظر میکات و مورهااس، ۱۹۹۴:۱۲۱)، صورت پذیرفت. در ابتدا مقوله‌های فرعی و سپس مقوله‌های اصلی استخراج و مؤلفه‌های مشابه تبدیل به یک مؤلفه کلی‌تر شدند، پس از دسته‌بندی مؤلفه‌ها و قرار دادن هر یک ذیل موضوع مربوط به خود، مؤلفه‌های یک موضوع مشترک در مصاحبه‌ها با یکدیگر مقایسه و مورد بررسی مستمر قرار گرفت و مؤلفه‌های اصلی و زیرمجموعه هر کدام مشخص شد. در ادامه یافته‌های حاصل از

تحلیل مصاحبه‌ها بر اساس سؤال پژوهش (فهم دیدگاه مشاوران مدارس مقطع متوسطه از اخلاق حرفه‌ای مشاوران چیست؟) آورده شده است.

لازم به ذکر است که با توجه به این که اکثر مشاوران مدارس در خصوص واژه اخلاق حرفه‌ای آگاهی اندکی داشتند، پژوهش‌گران به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر در خصوص اخلاق حرفه‌ای مشاوران، سؤالات پژوهش را به صورت جزئی‌تر بپرسند تا از دل این سوال‌ها، بتوان به نکات اصلی در خصوص موضوع پژوهش دست پیدا کرد. در تحلیل مصاحبه‌ها مؤلفه‌های اصلی در ۵ طبقه دسته‌بندی شدند که عبارت بودند از: ۱- مؤلفه‌های اصلی مربوط به نکات و مواردی که مشاوران باید رعایت کنند، ۲- مؤلفه‌های اصلی مربوط به نحوه دریافت مشاوره، ۳- مؤلفه مربوط به ضرورت در اختیار قرار دادن اطلاعات دانش آموز، ۴- مؤلفه‌های اصلی مربوط به میزان پایبندی مشاوران به اصول اخلاق حرفه‌ای، و ۵- مؤلفه‌های اصلی مربوط به اهمیت و لزوم رعایت اخلاق حرفه‌ای. در ادامه مؤلفه‌های اصلی و فرعی هر کدام از این طبقات آمده است.

جدول ۳. مؤلفه‌های اصلی نکات و مواردی که مشاوران باید رعایت کنند

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی
	ارتباط چشمی		واقع‌نگری
	گوش دادن فعال		خلق نیکو
	تشخیص حالات رفتاری	ارتباط غیرکلامی	سرزنش نکردن
	حالت فیزیکی بدن مشاور		صداقت
	آگاهی از ویژگی‌های مراجع	توجه به شرایط مراجع	انگیزه‌بخشی
	معرفی مشاور		عدم قضاوت ارزشی
	ارائه مشاوره تخصصی	ارتباط کلامی	ارائه پیامدهای مثبت و مطلوب
	استفاده از واژه‌های محترمانه		القای توانایی‌های شخصیتی به فرد
	ایجاد محیط فیزیکی مناسب	داشتن فضای خصوصی	عدم سوء استفاده از مراجع
	ایجاد محیط امن		تعهد

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که در فرایند مشاوره، مشاور باید به رعایت نکاتی بپردازد که هم امنیت شغلی خود را تأمین نماید و هم بتواند به نحو احسن اطلاعات

کاربردی را در اختیار مراجع قرار بدهد و مراجع را جذب کند که در جلسات بعدی نیز، مشتاقانه در فرایند مشاوره شرکت نماید. یکی از این موارد جلب اعتماد مراجع است. اعتماد به عنوان یکی از کلیدی‌ترین عناصر مشاوره موفق است. همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند هنگامی اعتماد بین مشاور و مراجع برقرار می‌شود که ارتباط کلامی و غیرکلامی مناسبی در جلسه مشاوره برقرار شود به شرایط مراجع توجه شود و فضای خصوصی برای مشاوره فراهم آید.

در رابطه با برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی بین مراجع و مشاور، مشاوران معتقد بودند اساس کار مشاوره بر اصول رابطه حسنه و انسانی با مراجع مبتنی است و به طور کلی موفقیت فرایند مشاوره در مراحل اولیه را منوط به برقراری ارتباط با دانش‌آموز عنوان کردند. از جمله ارتباط کلامی می‌توان به استفاده از واژه‌های محترمانه توسط مشاور و معرفی خود اشاره کرد. برقراری ارتباط غیرکلامی در فرایند مشاوره، به جنبه‌هایی غیر از ارتباط و بیان کلامی که شامل تن صدا، آهنگ صدا، تماس چشمی، حالات چهره‌ای، ژست‌ها، حالات بدنی، و گوش دادن مربوط می‌شود.

مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند که یکی از مهم‌ترین اصولی که مشاوران در ارتباط با مراجع خود باید رعایت کند، توجه به شرایط خاص دانش‌آموز، زمینه و بافت خانوادگی که دانش‌آموز در آن رشد کرده، طبقه اجتماعی و اقتصادی و همچنین جنسیت مراجع در فرایند مشاوره است.

از نظر مصاحبه‌شونده‌گان، مشاور باید نقش و اهمیت مکان مشاوره را از نظر فراهم کردن تمام عوامل ایجاد امنیت و آرامش خاطر را برای مراجع بیان کند و به طور کلی مکان مشاوره باید از نظر فیزیکی و فضای ظاهری نسبت به اتاق‌های دیگر مدارس جالب‌تر باشد.

جدول ۴. مؤلفه‌های اصلی مربوط به نحوه ارائه مشاوره

مؤلفه اصلی	مؤلفه فرعی
برقراری مشاورات	عدم تبعیض
اولویت بندی	اولویت بر اساس مشکل
	توجه به تفاوت‌های فردی
	اولویت افراد آسیب‌پذیر

در رابطه با افرادی که باید بیشتر در معرض فرایند مشاوره قرار گیرند، مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که در ارائه خدمات به دانش‌آموز نباید هیچ گونه تبعیضی قائل شد. آنان معتقد بودند که مشاوره دادن به افراد دارای مشکل را باید در اولویت قرار داد اما در کیفیت ارائه خدمات نباید هیچ گونه تبعیضی قائل شد. گروه‌هایی که از نظر این مشاوران در مدرسه باید بیشتر در معرض خدمات مشاوره‌ای قرار بگیرند را همه افراد می‌داند، اما تمرکز مشاوران باید بیشتر بر روی افرادی که یا در معرض آسیب هستند و آسیب‌دیده هستند و با در نظر گرفتن ویژگی‌های دانش‌آموز، امکانات و روحیات و اعتقاد و باورهای وی به ارائه مشاوره تخصصی مرتبط با مشکل وی پرداخت.

#### مؤلفه مربوط به ضرورت در اختیار قرار دادن اطلاعات دانش‌آموز

مصاحبه‌شونده‌گان، رازداری را یکی از مهم‌ترین اصول اخلاق حرفه‌ای عنوان کردند و اعتقاد دارند که مشاوران فقط در دو حالت (خودکشی و دیگرکشی) و با موافقت خود دانش‌آموز، می‌تواند اطلاعات مراجع را در اختیار گروه‌های دیگر قرار دهد.

جدول شماره ۵. مؤلفه‌های اصلی مربوط به میزان پایبندی مشاوران به اصول اخلاق حرفه‌ای

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی
رعایت اخلاق حرفه‌ای	پایبندی کامل
	به تناسب توانایی مشاور
	درونی شدن اصول اخلاقی
	بی‌توجهی به مشاوره‌سازی
موانع رعایت اخلاق حرفه‌ای	مجهول ماندن نقش مشاور
	عدم آگاهی از نقش مشاور



در مورد میزان پایبندی مشاوران نسبت به رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند اکثر مشاوران از اصول اخلاق حرفه‌ای آگاهی دارند و اصول اخلاقی را به عنوان اصل جدایی‌ناپذیر در حیطه شغلی خود پذیرفته‌اند. همچنین موانع رعایت اخلاق حرفه‌ای از سوی مشاوران را بی توجهی به مشاوره سازشی و همچنین مجهول ماندن نقش مشاوران را به دلیل عدم آگاهی آن‌ها عنوان می‌کنند.

جدول ۶. مؤلفه‌های اصلی اهمیت و لزوم رعایت اخلاق حرفه‌ای

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی
اهمیت اخلاق حرفه‌ای	اخلاق حرفه‌ای پیش‌نیاز مشاوره
	رعایت نظم
	اصلاح دانش‌آموز
	افزایش انگیزه برای مراجعه
	برطرف کردن موانع
عدم قضاوت افراد غیر متخصص	

در راستای اهمیت رعایت اخلاق حرفه‌ای، مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند که اخلاق حرفه‌ای پیش‌نیاز کار مشاوران است و در صورت رعایت این اصول از سوی مشاوران، دانش‌آموز بیشتر ترغیب می‌شود که به مشاور مراجعه کند و مشکل خود را برای مشاور بازگو کند و بالتبع موانع ارتباط بین مشاور و مراجع کمتر می‌شود و باعث اصلاح رفتار مراجع می‌شود.

#### یافته‌های بخش کمی پژوهش

در جهت افزایش اعتبار و تضمین نتایج حاصل از پژوهش در بخش کیفی، در اینجا به بخش کم غالب یا کمی پژوهش پرداخته شد. در بخش کمی به وسیله مقیاس اخلاق حرفه‌ای مشاوران، به بررسی اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه مشاوران پرداخته شد. لازم به ذکر است که مقیاس اخلاق حرفه‌ای مشاوران که توسط پژوهشگر ساخته شده است، دارای چهار بعد، رازداری، عدم آسیب‌رسانی، صداقت و برقراری مساوات می‌باشد. در ادامه

نتایج در دو بخش، اطلاعات مربوط به نمونه و پاسخ به سؤالات پژوهش آورده خواهد شد.

جدول ۷. اطلاعات توصیفی نمونه مورد بررسی

متغیر	درصد	فراوانی
زن	۶۱	۶۱
مرد	۳۹	۳۹
کل	۱۰۰	۱۰۰
لیسانس و پایین تر	۷۰	۷۰
فوق لیسانس	۳۰	۳۰
کل	۱۰۰	۱۰۰

در جدول ۱ داده‌های دموگرافیک گروه نمونه ارائه شده است. همان گونه که در این جدول می‌بینیم ۲٪ گروه نمونه دیپلم، ۷۰٪ گروه نمونه لیسانس و پایین تر و ۳۰٪ در سطح فوق لیسانس قرار دارند. همچنین ۶۱ نفر آن‌ها را زن (۶۱٪) و ۳۹ نفر گروه نمونه را مرد (۳۹٪) تشکیل می‌دهند.

**پاسخ به سؤال اول:** نگرش مشاوران مدارس مقطع متوسطه نسبت به رعایت اخلاق حرفه‌ای تا چه اندازه است؟

برای پاسخگویی به این سؤال جهت بررسی میزان پایبندی مشاوران نسبت به اصول اخلاق حرفه‌ای در چهار بعد (رازداری، عدم آسیب‌رسانی، صداقت، برقراری مساوات)، از تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد. نتایج در جدول ۴-۲ آمده است.

جدول ۸. نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر جهت تعیین بعد غالب اخلاق

حرفه‌ای مشاوران

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	درجه آزادی	سطح معناداری
رازداری	۱۱/۹۰	۲/۴۷			
عدم آسیب‌رسانی	۱۲/۱۰	۱/۹۳	۱۴۵/۵۰	(۳ و ۹۷)	۰/۰۰۰۱
صداقت	۸/۰۲	۱/۶۵			
برقراری مساوات	۷/۴۸	۱/۳۲			

جدول بالا نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر جهت تعیین بعد غالب اخلاق حرفه‌ای مشاوران را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است با توجه به مقدار  $F$  به دست آمده تفاوت معناداری بین ابعاد اخلاق حرفه‌ای مشاوران در سطح  $0/0001$  وجود دارد ( $Pillai=0/82, F=145/50, P < 0/0001$ ).

برای نشان دادن اینکه این تفاوت معنادار بین کدام یک از ابعاد اخلاق حرفه‌ای است، از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که بین بعد عدم آسیب‌رسانی با ابعاد رازداری، صداقت و برقراری مساوات به نفع عدم آسیب‌رسانی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین بعد صداقت با ابعاد رازداری و برقراری مساوات (به نفع صداقت) تفاوت معناداری وجود دارد. در نهایت بین بعد برقراری مساوات و بعد رازداری، به نفع رازداری تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین بعد غالب عدم آسیب‌رسانی می‌باشد. پاسخ به سؤال دوم: آیا بین نگرش مشاوران مقطع متوسطه نسبت به رعایت اخلاق حرفه‌ای و ویژگی‌های دموگرافیک (سن، جنسیت، میزان تحصیلات) آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال جهت بررسی ارتباط نگرش مشاوران نسبت به اخلاق حرفه‌ای با سن آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و جهت بررسی تفاوت نگرش مشاوران نسبت به اخلاق حرفه‌ای مشاوران با توجه به سطح تحصیلات و جنسیت هر کدام جداگانه از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد، نتایج در ادامه آمده است.

جدول ۹. ضریب همبستگی بین سن و ابعاد اخلاق حرفه‌ای مشاوران

متغیر	رازداری	عدم آسیب‌رسانی	صداقت	برقراری مساوات
سن	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۶	۰/۲۷	۰/۲۸
سطح معناداری	NS	NS	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶

مطابق جدول فوق بین سن و صداقت ( $p < 0/01$  و  $r = 0/27$ ) و برقراری مساوات ( $p < 0/01$  و  $r = 0/28$ ) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش سن

مشاوران میزان پایداری آنها به اصل صداقت و برقراری مساوات افزایش می‌یابد. اما بین سن و رازداری و عدم آسیب‌رسانی ارتباط معناداری دیده نشد.

جدول ۱۰. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) تفاوت جنسیت و ابعاد چهارگانه

اخلاق حرفه‌ای مشاوران

منبع واریانس	متغیر وابسته	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار F	سطح معناداری
رازداری	۱۷/۷	۱	۱۷/۷	۲/۹۵	NS	
عدم آسیب‌رسانی	۵/۰۶	۱	۵/۰۶	۱/۳۵	NS	
صداقت	۲۲/۷۹	۱	۲۲/۷۹	۹/۲	۰/۰۰۳	
برقراری مساوات	۰/۴	۱	۰/۴	۰/۲۲	NS	

نتایج حاصل از جدول نشان داد که بین مشاوران مرد و زن و ابعاد اخلاق حرفه‌ای فقط در بعد صداقت ( $F=9/02, p < 0/01$ )، تفاوت معناداری وجود دارد.

بر این اساس نوع جنسیت مشاور در شناخت و عملکرد اخلاق حرفه‌ای او تأثیرگذار می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر این تفاوت را حداقل در بعد صداقت نشان داده است. به گونه‌ای که در بعد صداقت نمره مردان بیشتر از زنان گزارش شده است. اما در ابعاد رازداری، عدم آسیب‌رسانی و برقراری مساوات بین مشاوران زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد.

جهت بررسی تفاوت نظر مشاوران نسبت به ابعاد اخلاق حرفه‌ای با توجه به سطح تحصیلات آنها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج آزمون لوین نشان داد که پیش فرض همگنی واریانس برای تحلیل واریانس، محقق شده است. میزان  $F$  آزمون لوین برای ابعاد رازداری، عدم آسیب‌رسانی، صداقت و برقراری مساوات به ترتیب ۱/۵۰، ۰/۹۲، ۱/۱۴ و ۱/۹۶ بود که همگی سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ داشتند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری در جدول شماره ۱۱ آمده است.

جدول ۱۱. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) تفاوت تحصیلات و ابعاد چهارگانه

اخلاق حرفه‌ای مشاوران

منبع واریانس	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
رازداری	۳/۸۰	۲	۱/۹۰	۰/۳۰۶	NS	
عدم آسیب‌رسانی	۲۴/۸۰	۲	۱۲/۴۰	۳/۴۸	۰/۰۳	
تحصیلات	۳/۶۲	۲	۱/۸۱	۰/۶۵۷	NS	
برقراری مساوات	۱/۱۳	۲	۰/۵۶۷	۰/۳۱۷	NS	

نتایج جدول نشان داد که بین تحصیلات و ابعاد مختلف اخلاق حرفه‌ای فقط در بعد عدم آسیب‌رسانی ( $F=۳/۴۸, p \leq ۰/۰۵$ ) تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر نمره مشاوران کارشناسی ارشد نسبت به مشاوران با سطح تحصیلات کارشناسی به صورت معناداری بالاتر بوده است. اما بین تحصیلات و سایر ابعاد اخلاق حرفه‌ای تفاوت معناداری مشاهده نگردد.

### بحث و بررسی

هدف از مطالعه حاضر فهم عمیق اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه مشاوران مدارس بود. جهت کسب این فهم، مطالعه حاضر از روش تلفیقی (کیفی/کمی) استفاده نمود. در بخش کیفی از مشاوران موفق مصاحبه‌ای عمیق انجام گرفت تا اصول اخلاق حرفه‌ای که توسط این افراد به کار گرفته می‌شود مورد بررسی قرار گیرد. سپس از طریق پرسشنامه‌ای محقق ساخته دانسته‌های ۱۰۰ نفر از مشاوران که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، از اخلاق حرفه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج این پژوهش به طور کلی نشان داد که از نظر مشاوران موفق مدارس (مصاحبه‌شونده‌های بخش کیفی)، عواملی همچون جلب اعتماد، برقراری ارتباط غیر کلامی و کلامی، توجه به شرایط، واقع‌نگری، توجه به نیاز مراجع، خلق نیکو، سرزنش نکردن، صداقت، انگیزه بخشی، عدم قضاوت ارزشی، ارائه پیامدهای مثبت و مطلوب، القای توانایی‌های شخصیتی به فرد، عدم سوء استفاده از مراجع و تعهد، عوامل تأثیرگذار در امر

مشاوره می‌باشد. در واقع نظر مشاوران با مطالعات موجود در حیطه مشاوره همسو بود. برای نمونه تراکس و میشل<sup>۱</sup> (۱۹۷۱، به نقل از پور اصغر، ۱۳۹۰: ۱۳۷) معتقد هستند که در فرایند مشاوره رفتار اعتمادبخش دارای سه بُعد است: اصالت، همدلی و توجه مثبت. بنابراین، مشاور می‌تواند ایجاد اعتماد بکند، که اصیل و صادقانه عمل نماید؛ از نقش‌های کلیشه‌ای و متظاهر بپرهیزد؛ از واکنش‌های تدافعی دور باشد؛ با ابراز مهربانی و صمیمیت، فضایی غیرتهدیدآمیز، مطمئن و ایمن ایجاد نماید؛ با درک درست از احساسات و حالات مراجع سطح درک همدلانه بالایی داشته باشد. به طور کلی، پیش‌نیاز ایجاد جو و محیط درمانگری، اصل برقراری اعتماد است. دانش‌آموز اگر در قدم‌های اولیه، مشاور را فردی قابل اعتماد بیابد، به طور فزاینده‌ای در زمینه‌های هیجانی احساس خطر می‌کند و افکار و احساسات، اضطراب‌ها و ترس‌هایی که بحث کردن در مورد آن مشکل است و گاه آن‌ها را انکار کرده را مطرح می‌کند.

نکته قابل توجه در مصاحبه‌های بخش کیفی این بود که مصاحبه‌شوندگان اصولاً با مفهوم "اخلاق حرفه‌ای" آشنا نبودند به طوری‌که حتی بعد از توضیح اصطلاح "اخلاق حرفه‌ای" باز هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. در نتیجه مصاحبه‌کننده مجبور شد تا سؤالاتی در مصاحبه مطرح کند که به صورت ملموس‌تر به اخلاق حرفه‌ای ارتباط داشتند. در نهایت در تحلیل داده‌ها چنین به نظر می‌رسد که مشاوران موفق مدارس در لفظ با "اخلاق حرفه‌ای" آشنا نیستند اما در عمل، به هنگام ارائه مشاوره به بسیاری از اصول اخلاق حرفه‌ای عمل می‌کنند از جمله صداقت، عدم قضاوت ارزشی، عدم سوء استفاده از مراجع و... در ادامه برخی از اصول اخلاق حرفه‌ای که در مصاحبه‌ها بیشتر به آن اشاره شد آورده خواهد شد.

مصاحبه‌شونده‌ها به مسأله حساس رازداری در فرایند مشاوره اشاره می‌کنند و این را مهمترین اصل می‌دانند که رعایت آن از طرف مشاور ضروری است. به عبارت دیگر رازداری هسته مرکزی شکل‌گیری اعتماد و برقراری رابطه بین دانش‌آموز و مشاور است. و

1. Traksand Michelle

این همان موضوعی است که در مطالعات پیشین نیز به آن اشاره شده است. به عقیده ون<sup>۱</sup> (۱۹۵۲، به نقل از شفیع آبادی، ۱۳۷۱: ۵۰) هر موضوعی که در جلسه مشاوره بین مراجع و مشاور مورد بحث قرار می‌گیرد، در زمره مطالب محرمانه و سری تلقی می‌شود و هیچ قسمتی از آن‌ها نباید بدون اجازه و موافقت قبلی مراجع با فرد یا افراد دیگری مطرح گردد. همچنین مصاحبه شونده‌ها رعایت اصل صداقت در فرایند مشاوره را مهم دانسته و مبنای کار مشاور و مراجع در جلسه مشاوره رعایت این اصل را عنوان کردند. به عبارت دیگر مشاور باید در هر صورت از ظفره رفتن و ندانم کاری و ندانسته گفتن، بپرهیزد. آنان باید در مواردی که نسبت به مشکل دانش‌آموز آگاهی ندارند، به راحتی اظهار کنند که نمی‌دانند. در نتیجه هر کجا اظهار نظر کردند و یا راهکاری را پیشنهاد دادند به صورت مشخص نشان‌دهنده این است که در چنین مواردی دانسته و عالمانه حضور یافته‌اند و می‌توان به آنان اعتماد کرد. در همین راستا، می‌توان با توجه به پیشینه پژوهش و پنجمین اصل اخلاقی مشاور استناد کرد. صادق بودن به راستی و و درستی رابطه مشاوره‌ای و تمایلات مشاور در ایجاد شرایط درمانی مربوط می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۴). در واقع صداقت اصل زیربنایی در نظام‌نامه‌های اخلاقی می‌باشد که در خصوص روابط مشاوره‌ای و روابط با همکاران، کارفرمایان و سازمان‌های حرفه‌ای است و از آنجایی که هدف اصلی، در مشاوره، راهنمایی مراجع برای موفقیت در حل مشکلاتش می‌باشد، رعایت صداقت از سوی مشاور تأمین‌کننده این هدف و عدم رعایت آن به منزله شکست مشاوره می‌باشد.

از جمله اصول دیگری که مشاوران موفق به آن اشاره کردند رعایت اصل عدم تبعیض بود. مشاوران در ارائه خدمات به دانش‌آموزان نباید هیچ‌گونه تبعیضی قائل باشند و صرف نظر از طبقه اجتماعی و اقتصادی مراجع، باید به همه به یک اندازه مشاوره بدهند و اولویت ارائه خدمات به دانش‌آموز را بر اساس مشکل دانش‌آموز عنوان کردند. در همین راستا احمدی (۱۳۸۷) معتقد است مشاوران و درمان‌گران متعهد هستند تا برای تمامی مراجعان خود درمان مساوی فراهم آورد. این امر بدین معناست که آنان باید خدمات خود را تا

---

1. Wrenn

آن‌جا که ممکن است برای تمام افراد مورد نیاز ارائه دهند، بدون اینکه مراجعان را از لحاظ سن، نژاد، زمینه‌های فرهنگی و قومی، ناتوانی، وضع اجتماعی و اقتصادی و جهت‌گیری و سبک زندگی و فرهنگ ترجیح داده باشند. در واقع این اصل بهتر در جمله ارسطو بیان شده است که معتقد است عدالت یعنی با برابری و مساوات رفتار کردن و با نابرابری به نسبت نابرابری به مساوات رفتار کردن است.

همانطور که قبلاً نیز ذکر شد این مطالعه دارای بخش کمی هم بود که در ادامه نتایج این بخش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گویه‌های مقیاس اخلاق حرفه‌ای مشاوران که در مطالعه حاضر ساخته و استفاده شد، دارای ابعاد رازداری، عدم آسیب‌رسانی، صادقانه بودن و برقراری مساوات، اختصاص بود. نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر حاکی از آن است که بعد غالب اخلاق حرفه‌ای مشاوران در این پژوهش، اصل عدم آسیب‌رسانی می‌باشد. با توجه به نتایج بخش کمی مبنی بر غالب بودن بعد عدم آسیب‌رسانی و با توجه به تحلیل متن مصاحبه‌ها می‌توان اذعان داشت که از بین ۱۲ مصاحبه انجام شده فقط یک نفر از مصاحبه‌شونده‌ها به اصل عدم آسیب‌رسانی اشاره کرده بودند و بقیه آن‌ها هیچ‌گونه اشاره‌ای به این اصل نکرده بودند. در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان گفت رعایت اصل عدم آسیب‌رسانی در فرایند مشاوره و روان‌درمان‌گری حائز اهمیت فراوانی است، چرا که با موضوعات مهمی از قبیل رعایت رازداری، پرهیز از ارتباط دوگانه و چندگانه، پرهیز از ارتباط جنسی و تماس بدنی با مراجع و عدم استفاده از فنون و روش‌های تائید نشده سر و کار دارد. ضعف عملکرد اخلاق حرفه‌ای در این حوزه، به وسیله متخصصانی که رشته تحصیلی آنان سنخیتی با رشته مشاوره ندارد، می‌تواند بیانگر این موضوع باشد. اگر چنانچه برای آگاهی بیشتر متخصصان به خصوص آنان که در سایر گرایش‌های مشاوره فارغ‌التحصیل شده‌اند، فکری نشود، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به مراجعان و در نهایت به حرفه مشاوره وارد می‌شود (کیانی و همکاران، ۱۳۸۹).

در بخشی دیگر این مطالعه، به بررسی رابطه ویژگی‌های دموگرافیک مشاوران با نگرش آن‌ها نسبت به رعایت اصول اخلاقی پرداخت. نتایج نشان داد بین گروه‌های سنی در میزان



رعایت اصل صداقت و برقراری مساوات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش سن مشاوران میزان پایداری آن‌ها به اصل صداقت و برقراری مساوات در رابطه با مراجعان افزایش می‌یابد. اما بین سن و رازداری و عدم آسیب‌رسانی ارتباط معناداری دیده نشد. در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان به نظر کیانی و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد از نظر آنان فقدان آموزش‌های لازم در دوران تحصیل و حتی پس از آن باعث شده تا متخصصان جوان کمتر به ضوابط اخلاق حرفه‌ای اشراف داشته باشند و با گذشت زمان و افزایش سن، تجاربی بدست می‌آورد که این تجارب موجب تقویت اخلاق حرفه‌ای به خصوص در موارد ارتباط با اصل عدالت می‌شود. در حالی که اگر به آموزش‌های لازم در دوران تحصیل و پس از آن اهمیت داده شود، همه مشاوران صرف‌نظر از سن و سابقه می‌توانند از مباحث اخلاق حرفه‌ای بهره‌مند شده و در ارتباط با مراجعان عادلانه‌تر عمل نمایند. این یافته همسو با یافته‌های کیانی و همکاران (۱۳۸۹) بود.

نیز نتایج نشان داد که مشاوران مرد نسبت به مشاوران زن بیشتر به اصل صداقت در مشاوره اعتقاد دارند. اما در ابعاد دیگر تفاوتی بین زن و مرد دیده نشد. همچنین مشاوران دارای مدرک کارشناسی ارشد نسبت به مشاوران دارای مدرک کارشناسی و پایین‌تر بیشتر اعتقاد داشتند که باید در مشاوره مراقب باشیم که به دانش‌آموزان آسیبی رسیده نشود. در کل نتایج همسو با نتایج احمدی و همکاران (۱۳۸۹) می‌باشد آنان نیز نشان دادند که بین رعایت اخلاق حرفه‌ای و ویژگی‌های دموگرافیک مشاوران ارتباطی معنادار وجود دارد اما نه در همه ابعاد و عناصر اخلاق حرفه‌ای.

در کل نتایج این مطالعه خصوصاً در بخش کیفی نشان داد که اگرچه مشاوران مدارس با اصطلاح اخلاق حرفه‌ای مشاوران آشنایی کامل ندارند اما آن‌ها به نکاتی اشاره می‌کنند که همان بایدها و نبایدهای اخلاق حرفه‌ای است. اصولی را که به آن اعتقاد دارند همان اصولی است که در مبانی نظری به آن اشاره شده است برای نمونه جورج و کریستیان (۱۳۸۶) به اصل رازداری اشاره می‌کنند یا کیچنر<sup>۱</sup> (۱۹۸۴، به نقل از حسینیان، ۱۳۸۵: ۶۱) از

---

1. Kitchener

اصول خودمختاری، نیکوکاری، عدالت عدم آسیب‌رسانی و وفاداری یاد می‌کنند و احمدی (۱۳۷۴) از جمله اصول اخلاقی را صلاحیت، مسئولیت، رازداری و در نظر گرفتن خیر و صلاح مراجعان می‌داند. مشاوران مدارس نیز در این مطالعه، در مصاحبه‌ها و نیز در تکمیل پرسشنامه، به آن‌ها اشاره کردند.

از جمله محاسن روش‌های تحقیق کیفی که از مصاحبه و مشاوره بهره می‌برند، این است که در کنار دریافت نتایج مرتبط با موضوع پژوهش، اطلاعات دیگری نیز به دست می‌آید. در مطالعه حاضر نیز در تحلیل مصاحبه‌ها، موانع امر مشاوره از دیدگاه مشاوران موفق استخراج شد که عبارت بودند از بی‌توجهی به مشاوره‌سازی، مجهول ماندن نقش مشاور و عدم آگاهی مشاور از نقش مشاور.

بی‌توجهی به مشاوره‌سازی: مشاوره‌سازی در مدارس را معمولاً کاری انفرادی قلمداد می‌کنند و اعتقاد دارند مشاوران فضای مدرسه را یک فضای درمانی نمی‌دانند و بیشتر به مشاوره تحصیلی اهمیت می‌دهند. با توجه به قانون مصوب ۷۰٪ درصد کار مشاوران در مدارس در حیطه مشاوره‌سازی قرار دارد و فقط ۳۰٪ درصد دیگر به مشاوره تحصیلی اختصاص دارد، ولی در حال حاضر این قضیه برعکس شده و مشاوره تحصیلی وجه غالب را در مدارس به خود اختصاص داده است. با توجه به تحلیل متن مصاحبه‌ها باید گفت که مشاوره‌سازی یک فعالیت تخصصی و یک تخصص در حال بالندگی است که کارایی و اثربخشی آن در مدارس و دانشگاه‌ها و جامعه موجب موفقیت در تحصیل، تأمین بهداشت روانی، مهارت در زیستن و در نهایت سعادت جامعه می‌گردد. منظور از مشاوره‌سازی اقداماتی است که یک مشاور انجام می‌دهد تا موجب از بین رفتن مشکل روانی ایجاد شده در فرد گردد.

مجهول ماندن نقش مشاور: نظر مصاحبه‌شونده‌ها گویای نگرش نادرست مسئولان و مدیران به امر مشاوره در آموزش و پرورش است. هر چند نمی‌توان این نگرش را به تمام مسئولان و مدیران تعمیم داد، اما اگر چنین نگاهی دست کم به مدیران رده پایین وجود داشته باشد، در واقع مانع مهمی بر سر راه رشد و اثرمندی مشاور است. باید توجه داشت که برخی از مشاوران از نگاه پلیسی مدیران مدرسه گله‌مند هستند و نقش مشاور که یک

عامل حرفه‌ای بی‌طرف برای یاری رساندن به دانش‌آموز است، با این نگرش ممکن است به درستی در بافت مدرسه شکل نگیرد.

عدم آگاهی مشاور از نقش مشاور: همچنین مشاوران موفق معتقد بودند که بسیاری از مشاوران هنوز از نقش مشاور و مشاوره آگاهی ندارند. باید گفت که شغل‌های قبلی برخی از مشاوران (مثلاً مربی امور تربیتی و پرورشی) از جمله موانع شکل‌گیری درست حرفه - مشاوره در مدارس است. در واقع، فردی که برای چند سال در یک حرفه کار کرده است، در موقعیت جدید نیز تمایل دارد چون گذشته رفتار کند. این تمایل که تحت تأثیر عادت‌ها قرار دارد هنگامی مشکل‌زا می‌شود که رویکرد حرفه جدید با رویکرد حرفه قدیم کاملاً متفاوت باشد. به نظر می‌رسد چنین تمایلی در رفتار و رویکرد برخی از مشاوران که در رشته‌های دیگر خدمت می‌کردند، دیده می‌شود.

در پایان لازم به ذکر است که از آنجا که این مطالعه به بررسی نظر مشاوران در ارتباط با اخلاق حرفه‌ای پرداخت، پیشنهاد می‌شود جهت درک عمیق‌تر موضوع، در آینده مطالعاتی به بررسی میزان رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای توسط مشاوران از دیدگاه دانش‌آموزان و والدین پردازند تا بتوان به آسیب‌شناسی این موضوع نیز پرداخت.

### منابع

احمدی، احمد (۱۳۷۴). *مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

احمدی، خدابخش. (۱۳۸۷). "مباحث اخلاقی در مشاوره و روان‌شناسی"، تهران، نشر دانژه اسلامی.

احمدی، خدابخش، اخوی، زهرا، رئیسی، فاطمه، رحیمی، علی اکبر. (۱۳۸۹). بررسی میزان شناخت مشاوران و روانشناسان از اصول اخلاق حرفه‌ای. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، جلد ۹، شماره ۳۴.

- آراسته، حمیدرضا، جاهد، حسینی. (۱۳۹۰). رعایت اخلاق در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، گزیده‌ای برای بهبود دانشگاه‌ها. فصلنامه‌ی نشاء علم، سال اول، شماره‌ی ۲.
- امیری، علی نقی، همتی، محمد، مبینی، مهدی. (۱۳۸۹). اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی برای سازمان. معرفت/اخلاقی، سال اول، شماره چهارم، صفحات ۱۳۷-۱۵۹.
- پوراصغر، مرضیه. (۱۳۹۰). اصول و راهکارهای مشاوره در اسلام. معرفت، شماره ۱۶۳. صص ۱۳۳-۱۵۲.
- جبلی، پیمان. (۱۳۸۳). مقاله اخلاق حرفه‌ای در اسلام. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۱.
- جورج، ریگی ال، کریستینی، ترزاس (۱۳۸۶). مشاوره، نظریه‌ها و کاربرد اهداف، فرایندهای مشاوره و روان‌درمانگری، ترجمه رضا فلاحی؛ محسن حاجیلو، تهران: رشد.
- حسینیان، سیمین. (۱۳۸۵). اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی، تهران، انتشارات کمال تربیت.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). اخلاق کار در سیره نبوی، فصلنامه پژوهش، شماره ۵.
- دین محمدی، ناصر. (۱۳۸۲). "بررسی میزان رعایت اخلاق پرستاری در عملکرد حرفه‌ای پرستاران شاغل در بخش‌های بزرگسالان بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران." پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران."
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۷۱). فنون و روش‌های مشاوره. تهران، نشر ترمه با همکاری انتشارات چپر.
- صحرائی، محمدطیب. (۱۳۸۶). "سیره پیامبر (ص) در مدیریت افکار و رفتار سیاسی، سیاست نبوی، مبانی، اصول و راهبردها." تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، پژوهش و فناوری.
- کیانی، اردشیر، نوایی‌نژاد، شکوه، احمدی، خدابخش. (۱۳۸۷). "ویژگی‌های شخصیتی و رعایت اخلاق حرفه‌ای در بین مشاوران و روان‌شناسان"، اندیشه و رفتار، دوره دوم، شماره ۸، صفحات ۷۲-۹۰.

قراملکی، احد فرامرز. (۱۳۸۲). "اخلاق حرفه‌ای"، قم، انتشارات مجنون.  
وبر، ماکس. (۱۳۷۱). "اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری". ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، انتشارات سمت.

- Creswell. J. (1994). *Research Design Qualitative & Quantitative Approaches*. Lodon: SAGE Publications.
- Hartley, M. T & Cartwright, B.Y. (2016). A Survey of Current and Projected Ethical Dilemmas of Rehabilitation Counselors. *Rehabilitation Research, Policy, and Education*, v30 n1 p32-47 2016.
- Jasca, J.A. & Prichard, M.S. (1994). *Communication Ethics: Methods of Analysis*. Belmont, CA:Wadsworth .
- Leung, S.A., Leung, T.K-M. & Chan, E.P-O.( 2003).Ethical Counseling Practice: A Survey of Counseling Teachers in Hong Kong Secondary Schools. *Asian Journal of Counseling*, 1(1), 71-94.
- Maykut, P. & Morehouse, R. (1994). *Beginning Qualitative Research*. London: The Falmer Press.
- Stan, E. Suditu, M. & Safta, C.G. (2011). Career Counseling - Ethics and Ethical Background. Case Study –Romania. *Social and Behavioral Science*, 30. 1118-1123.
- Zarefar, A., Andreas, B. & Zarefar, A. (2015). The Influence of Ethics, Experience and Competency toward the Quality of Auditing with Professional Auditor Scepticism as a Moderating Variable. *Social and Behavioral Sciences, Procedia*, 219, 828-832.
- Yang, A., Taylot, M. & Saffer, A.J. (2016). Ethical Convergence, Divergence or Communitas? An Examination of Public Relations a Journalism Codes of Ethics. *Public Relations Review*, 42, 146-160.